

## اعتماد اجتماعی و تشکل‌های دانشجویی: تبیین تجربی اعتماد اجتماعی دانشجویان عضو و غیرعضو تشکل‌های دانشجویی دانشگاه مازندران

قربانعلی ابراهیمی (استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، نویسندهٔ مسؤول)

**ghorbanaliebrahimi@gmail.com**

علی بابازاده بایی (مدرس دانشگاه مازندران و کارشناس ارشد مسائل اجتماعی، بابلسر، ایران)

**alibabazadeh86@yahoo.com**

سید احمد میرمحمدتبار (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

**ahmad.mirtabar@stu.um.ac.ir**

### چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه مازندران است. سؤال اساسی تحقیق این است: چه عوامل اجتماعی بر افزایش و کاهش میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه مذکور تأثیرگذار است؟ چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر تئوری‌های پاتنام دربارهٔ تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت در انجمن‌های مدنی بر اعتماد اجتماعی و نظریهٔ رزستین و استول در مورد تأثیر تجربهٔ تبعیض و احساس امنیت بر اعتماد می‌باشد. برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعهٔ آماری تحقیق، دانشجویان دانشگاه مازندران هستند که تعدادشان ۹۶۷۰ نفر و حجم نمونه نیز ۳۷۵ نفر را شامل می‌شود. نتایج رگرسیون خطی چندمتغیره نشان می‌دهد که تمامی شش متغیر مستقل در مدل نهایی باقی ماندند. ضرایب تأثیر مدل نهایی متغیرهای مستقل تبیین‌کنندهٔ اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که به ترتیب، متغیرهای احساس امنیت، استفاده از رسانه‌های داخلی، امید به آینده، استفاده از رسانه‌های خارجی، تجربهٔ تبعیض و عضویت در تشکل‌ها بر اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه مازندران اثرگذار هستند. شایان ذکر است که از بین متغیرهای مطرح‌شده، تأثیر متغیرهای تجربهٔ تبعیض و استفاده از رسانه‌های خارجی بر متغیر وابستهٔ مذکور منفی می‌باشد. مدل مذکور می‌تواند ۵۰/۸ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی را تبیین کند. همچنین، تحلیل مسیر مدل علی تحقیق نشان می‌دهد که میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل مطرح‌شده (بنابر اثرات مستقیم و غیرمستقیم) بر متغیر اعتماد اجتماعی متفاوت است.

**کلیدواژه‌ها:** اعتماد اجتماعی، عضویت در تشکل‌های دانشجویی، استفاده از رسانه‌های جمعی، امید

به آینده، تجربهٔ تبعیض، احساس امنیت.

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

مطابق با تعریف فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اعتماد به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته، توصیف می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۳۷). زتومکا اعتماد را نوعی شرط‌بندی در مورد کنش‌های اجتماعی دیگران در زمان آینده می‌داند و به نظر مارچ و السن، ایده محوری اعتماد این است که اعتماد بر نوعی انتظار استوار است (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۸).

وجود اعتماد اجتماعی در جامعه، تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند. حتی در ایجاد روابط گروهی منسجم، اعتماد نقش بارزتری نسبت به تعهد اخلاقی ایفا می‌کند و در تحقق نظم اجتماعی و نیز زندگی روزمره، عنصری ضروری و حیاتی به شمار می‌آید؛ علاوه بر آن، اعتماد اجتماعی می‌تواند به کاهش پیچیدگی جوامع مدرن کمک کند. در دنیای بدون اعتماد، زندگی سخت و نظم اجتماعی شکننده می‌شود. در صورت عدم وجود اعتماد، نهادهایی که نوعاً مقررات و نظارت اجتماعی را در جامعه تولید و تقویت می‌کنند و شرایط سازمانی را برای همکاری در جامعه مهیا می‌سازند، باید برای برقراری نظم اجتماعی، عملکرد خود را به صورتی محکم و انعطاف‌ناپذیر اجرا کنند (افشانی، عسکری ندوشن، فاضل نجف آبادی و حیدری، ۱۳۸۸، صص. ۵۹-۵۸).

اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و انتزاعی و تخصصی نیز عامل مهمی در پیشرفت جامعه به شمار می‌آید و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و هم‌پاری بوده و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. با این وجود، بررسی‌ها نشان‌گر آن است که نوعی مسأله در اساسی‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد اجتماعی به وجود آمده است که مستلزم بررسی دقیق‌تر و علمی است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۵۲).

در خصوص اعتماد دانشجویان، مسأله این است که شکل‌گیری اعتماد آن‌ها در همه ابعاد دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شده است که این مسأله در دانشگاه‌ها بر اثر استفاده از دانش‌ها و اطلاعات روز علمی و فرهنگی و تطبیق شرایط اجتماعی موجود با شرایط اجتماعی

در دیگر نقاط جهان بسیار محسوس‌تر است. دانشجویان، اعتماد خود را نسبت به نهادها و انجمن‌ها به گفتمان‌های منحصر در حوزه خانواده و دوستان محدود نمی‌کنند و با بازاندیشی‌ای که استفاده از ارتباطات و اطلاعات (مثل استفاده از اینترنت و ماهواره) برای آن‌ها فراهم کرده است، به اعتماد خود جهت و شکل می‌بخشند. بنابراین، روشن کردن عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان که آینده جامعه در دستان پرتوان آن‌ها است و چشم تمامی افراد جامعه به تفکر و انتخاب آن‌ها پیوند خورده است، می‌تواند نقشی بسیار اساسی در شکل‌گیری اعتماد یا عدم اعتماد به نهادها و انجمن‌ها و القای آن به آحاد جامعه ایفا کند. از این رو، آسیب‌شناسی این رابطه از ضرورتی اساسی و حیاتی برخوردار است (طالبی، حیدری و فاطمی‌نیا، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۲).

از طرفی، کاهش اعتماد اجتماعی در ایران در دهه‌های اخیر، مسأله‌ای است که بسیاری از محققان آن را بررسی و گوشزد کرده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸). از طرفی دیگر، لازمه حیات و شکوفایی مطلوب یک جامعه در حال گذر، رشد و شکوفایی جوانان و به‌خصوص، دانشجویان آن جامعه است. در کشور ما سال‌هاست که بحث جوانان و مسائل مربوط به آن‌ها در مقاطع زمانی مختلف از سوی افراد و سازمان‌های مختلف مطرح می‌شود و همیشه مثل اغلب امور، در ادامه کار عقیم می‌ماند. آمارهای نگران‌کننده طلاق، خودکشی، خودسوزی، مصرف مواد مخدر و کاهش سن فحشا در بین جوانان، همگی نشانه‌هایی از مسائل اجتماعی جامعه است. در مواجهه با این طیف از مشکلات، تضعیف یا کاهش سطح روابط اجتماعی به عنوان یکی از مسایل حاد و اساسی در این زمینه است (قدیمی، ۱۳۸۶، ص. ۳۲۶).

مروری بر تحقیقات انجام‌شده در زمینه اعتماد اجتماعی، به‌خصوص اعتماد اجتماعی دانشجویان نشان می‌دهد که متغیرهای گوناگونی بر آن تأثیرگذار است که از جمله می‌توان به متغیرهای دین‌داری، امیدواری به آینده، امنیت، تجربه تبعیض، استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و غیره اشاره کرد (طالبی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محسنی تبریزی و شیرعلی، ۱۳۸۸؛ کامران و احمدیان، ۱۳۸۸؛ منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸). آنچه که

در ارتباط با تحقیقات گذشته قابل ذکر است این است که هیچ‌یک از این تحقیقات به بررسی تأثیر عضویت در تشکل‌های دانشجویی بر اعتماد اجتماعی دانشجویان پرداخته است. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا در کنار عوامل اجتماعی، به بررسی تأثیر عضویت در تشکل‌های دانشجویی بر اعتماد اجتماعی پرداخته شود. به این ترتیب، سؤال اساسی تحقیق این است که: چه عوامل اجتماعی بر افزایش و کاهش اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه مازندران تأثیر گذارند؟

## ۲. مبانی نظری تحقیق

### ۲.۱. پیشینه تحقیق

«اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس» عنوان پژوهشی است که توسط آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳) در شهرهای بیست‌وهشت استان کشور و با حجم نمونه ۸۲۰۶ نفر انجام شد. در این پژوهش تلاش شد تا علاوه بر متغیر جنسیت، تأثیر متغیرهای وضعیت تأهل، مصرف رسانه‌ای و غیره بر اعتماد متقابل مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سطح اعتماد متقابل در کشور (۵/۲۷ از ۱۰) به‌خصوص اعتماد متقابل در میان زنان نسبت به مردان (به ترتیب ۵/۲۳ و ۵/۳۲) پایین می‌باشد.

اوجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» به روش پیمایشی به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی و نیز متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، نوع زبان، میزان تماشای تلویزیون و رفتن به سینما با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین سنت‌گرایی و همچنین، منطقه سکونت به عنوان یکی از ابعاد پایگاه اجتماعی و نیز بین تحصیلات و میزان مطالعه افراد با اعتماد اجتماعی، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

قدیمی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه زنجان» به بررسی تأثیر متغیرهای احساس انومی اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس امیدواری اجتماعی، احساس اقتدار اجتماعی، احساس منزلت

اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی، حمایت از نظم موجود، احساس امنیت اجتماعی، میل به مشارکت اجتماعی و میل به هم‌بستگی اجتماعی بر اعتماد اجتماعی پرداخته است. در تحلیل نهایی متغیرهای میزان مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی نسبت به سایر متغیرها در تبیین اعتماد اجتماعی بالاترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های طالبی و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی دانشجویان صنعتی شریف» نشان می‌دهد که میانگین کلی اعتماد سیاسی در میان پاسخ‌گویان ۳۷ درصد است و میانگین هر یک از ابعاد اعتماد سیاسی برای نظام سیاسی ۴۵ درصد، اعتماد به کنش‌گران سیاسی ۳۱ درصد و اعتماد به نهادهای سیاسی ۳۴ درصد است. همچنین، همه متغیرهای مستقل (دین‌داری، عام‌گرایی، ارزش‌های مادی و غیرمادی، مشارکت در انجمن‌های دولتی، استفاده از رسانه) با متغیر وابسته (اعتماد سیاسی دانشجویان) رابطه مثبت و معناداری دارند.

حیدرآبادی (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن در بین جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران» انجام داد که یافته‌های آن حاکی از آن است که میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی، رابطه منفی و معکوسی با میزان اعتماد اجتماعی دارند. همچنین، ارتباطات انسانی، جامعه‌پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی با اعتماد اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری دارند. مجموع این متغیرها ۴۳ درصد تغییرات میزان اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند. متغیرهای ارتباطات انسانی و جامعه‌پذیری خانوادگی به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی جوانان دارند. نتایج نشان‌گر آن است که میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان، بیشتر و بالاتر از سایر گونه‌های اعتماد (اعتماد تعمیم‌یافته و انتزاعی) است.

یافته‌های کامران و احمدیان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام» نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل (احساس امنیت، خصوصیات فردی، دگرخواهی) با میزان اعتماد افراد به پلیس، رابطه معنادار و مستقیم و بین متغیرهای سن و تحصیلات با اعتماد نیز رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

محسنی تبریزی و شیرعلی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: مورد پژوهش دانشگاه‌های کشور آلمان» که براساس بخشی از اطلاعات برگرفته از پیمایش بررسی جامعه‌شناختی نقش اعتماد بر میزان تمایل بازگشت دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در خارج از کشور که در کشور آلمان انجام گرفته، تنظیم شده است. جامعه آماری این تحقیق را ۹۲۱۰ دانشجوی مشغول به تحصیل در ۳۲ شهر آلمان تشکیل دادند که از بین آن‌ها یک نمونه ۳۸۴ نفری با ضریب اطمینان ۰/۰۵ انتخاب شد. با توجه به نیکویی برازش مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که برحسب ارزش بتا، متغیرهای طول مدت اقامت در خارج از کشور، وضعیت تحصیلی، تعدد سفر به ایران، نارضایتی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی دانشجویان مطرح‌اند.

یافته‌های منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه‌محور» نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل تجربه تبعیض، فساد، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد نهادی و سن با اعتماد تعمیم-یافته، رابطه معناداری وجود دارد؛ اما رابطه متغیرهای میزان عضویت در گروه‌های رسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان عضویت در گروه‌های غیررسمی، تحصیلات، درآمد و مرتبه شغلی با اعتماد تعمیم‌یافته، معنادار نیست.

بابازاده بایی (۱۳۸۹) در ارتباط با پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحقیقی را با عنوان «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی» انجام داد که موضوع اصلی آن، بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی مثبت و منفی می‌باشد. علاوه بر اعتماد پنج متغیر زمینه‌ای (جنس، سن، تحصیلات، تأهل و درآمد) نیز مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق افراد ۲۰ ساله و بالاتر ساکن شهر بابل و حجم نمونه ۴۰۲ نفر را شامل می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی زنان و مردان، معنادار است؛ اما تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی افراد متأهل و مجرد معنادار نیست. رگرسیون خطی ساده نیز نشان می‌دهد که تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی مثبت و منفی معنادار است.

اسلنر و براون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی» در سال ۲۰۰۳ و با استفاده از داده‌های ایالتی آمریکا در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ به بررسی علت مشارکت افراد در اجتماعات مدنی پرداختند. آن‌ها چهار فرضیه اصلی را در این پژوهش آزمودند: نابرابری موجب بی‌اعتمادی می‌شود؛ اثرات نابرابری بر مشارکت بیشتر به صورت غیرمستقیم و از طریق اعتماد است نه به صورت مستقیم؛ اعتماد تأثیر بیشتری بر انواع اجتماعی مشارکت مدنی دارد تا بر مشارکت سیاسی، و تأثیر اعتماد بر مشارکت مدنی بیشتر از تأثیر مشارکت مدنی بر اعتماد است. این چهار فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری موجب کاهش اعتماد تعمیم‌یافته می‌شود و قوی‌ترین تعیین‌کننده آن است.

لی، پیکلس و سیویج<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بریتانیا»، به بررسی وضعیت شبکه‌های اجتماعی غیررسمی (تعلق همسایگی، شبکه اجتماعی) و شبکه‌های اجتماعی رسمی (مشارکت مدنی) در بریتانیا پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شرایط فرهنگی - اجتماعی بر روی ایجاد سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. مردمی که در شرایط نامساعد قرار دارند، بیشتر احتمال دارد که سرمایه اجتماعی خود را از روابط ضعیف و کسانی که در شرایط مساعد قرار دارند نیز به احتمال قوی سرمایه اجتماعی خود را از مشارکت مدنی رسمی کسب می‌کنند. آن‌ها همچنین، دریافتند که سرمایه اجتماعی بر روی شرایط فرهنگی - اجتماعی مردم تأثیرگذار است. شبکه‌های اجتماعی غیررسمی در مقایسه با مشارکت مدنی رسمی تأثیر بیشتری در ایجاد اعتماد اجتماعی دارد.

- یافته‌های اوری<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر رسانه‌های خبری بر اعتماد سیاسی»، حاکی از آن است که تأثیر مثبت یا منفی رسانه‌های خبری بر روی اعتماد سیاسی هم به منابع خبری (مانند تلویزیون یا روزنامه) و هم به سطح اعتماد فعلی افراد به نظام سیاسی بستگی دارد. افرادی که سطح اعتماد سیاسی آن‌ها پایین است، آرایه اخبار (صرف‌نظر از منبع خبری) سبب افزایش و کاهش اعتمادشان نمی‌شود؛ اما افرادی که اعتماد اجتماعی آن‌ها در

---

1 Uslaner & Brown

2 Li, Pickles and Savage

3 Avery

سطح بالاتری قرار دارد، اعتمادشان تحت تأثیر اخبار روزنامه‌ها افزایش و تحت تأثیر اخبار تلویزیون کاهش می‌یابد.

مروری بر آنچه که در پیشینه پژوهش آمده است، نشان‌دهنده آن است که گرچه تمامی این تحقیقات به موضوع اعتماد اجتماعی (به عنوان متغیر مستقل یا وابسته) پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌کدام از آن‌ها تأثیر عضویت در تشکل‌ها بر اعتماد اجتماعی را مورد توجه قرار نداده‌اند؛ به بیانی دیگر، مطالعه نقش عضویت در تشکل‌های دانشجویی بر اعتماد اجتماعی دانشجویان موضوعی است که در پژوهش‌های اجتماعی به آن پرداخته نشده است.

## ۲.۲. چارچوب نظری

به نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع مرتبط؛ یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارهایی که اعتماد را تقویت می‌کنند، توسعه می‌یابند؛ چراکه هزینه‌های معاملات را کاهش داده و همکاری را تسهیل می‌کند. مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل است. معامله متقابل دو نوع است: نوع اول، مبادله متوازن خوانده می‌شود که در این نوع مبادله چیزهای با ارزش به طور هم‌زمان، مبادله می‌شوند؛ مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلشان را با هم عوض می‌کنند؛ اما معامله متقابل عمومی به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک‌طرفه و غیرمتوازن است؛ اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند؛ مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده پرداخت شود؛ برای مثال، دوستی اغلب به معامله متقابل عمومی تبدیل می‌شود. هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند، معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را دارا می‌باشد: دوستی کوتاه‌مدت و حفظ منافع خود در بلندمدت (بابازاده بائی، ۱۳۸۹، ص. ۵۷).

به عقیده پاتنام یک هنجار مؤثر مبتنی بر معامله متقابل عمومی ممکن است با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است. در جوامعی که در آن‌ها مردم می‌توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرد؛ بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام مبادلات وجود دارد. مبادلات مکرر طی یک دوره زمانی نیز به نوبه خود، توسعه یک هنجار



معامله متقابل عمومی را به دنبال دارد. از سویی دیگر، روابط اجتماعی مداوم نیز می‌تواند انگیزه‌هایی را برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند (همان: ۵۸).

هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها اساساً افقی هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند؛ اما بعضی دیگر شبکه‌های عمودی می‌باشند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله‌مراتب و وابستگی به هم پیوند می‌دهند. البته در جهان واقعی تقریباً همه شبکه‌ها مخلوطی از عمودی و افقی هستند (فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۸).

به نظر پاتنام، شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و غیره، کنش افقی شدید را به نمایش می‌گذارند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (همان). از این رو، براساس دیدگاه پاتنام می‌توان گفت که عضویت در تشکل‌های دانشجویی که بستر تعامل بیشتر دانشجویان را فراهم می‌سازد، می‌تواند سبب افزایش میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها شود؛ به علاوه، وی در تبیین کاهش اعتماد، عامل رسانه‌ها و به‌ویژه، تلویزیون را دارای اهمیت نسبتاً زیادی می‌داند؛ چراکه تلویزیون افراد را به درون خانه‌های خود و به دور از تعاملات اجتماعی می‌برد (همان، ص. ۱۵۹).

باید اضافه کرد که اگرچه در ارتباط با رسانه‌های خارجی می‌توان این تبیین را پذیرفت، به این دلیل که سطح تعامل اجتماعی را کاهش داده و از سویی دیگر، ارزش‌های مغایر با ارزش‌های جامعه را تبلیغ می‌کنند؛ اما در ارتباط با رسانه‌های داخلی، این تبیین قابل پذیرش نیست؛ زیرا رسانه‌های داخلی، علی‌رغم کاهش سطح تعامل اجتماعی افراد، می‌توانند با تبلیغ ارزش‌های هم‌سو با اعتماد اجتماعی، سبب افزایش آن در جامعه شوند.

رزستین و استول نیز معتقدند که وجود اعتماد تعمیم‌یافته، نشان‌گر آمادگی بالقوه شهروندان جهت همکاری و مشارکت با هم و انجام فعالیت‌های مدنی است. نگرش‌های مربوط به اعتماد تعمیم‌یافته فراتر از مرزهای تعامل رودررو رفته و افرادی را که باهم آشنا نیستند، یک‌پارچه می‌سازند. همچنین، این نگرش‌ها فراتر از محدوده‌های خویشاوندی، دوستی و آشنایی گسترش می‌یابند. به گفته آن‌ها این

نظریه بر این اندیشه لوی استوار است که برداشت‌های افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف، بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد، مؤثر است. نهادهای دولتی منشأ ایجاد اعتماد هستند، فقط در صورتی که شهروندان آن‌ها را قابل اعتماد بدانند. آن‌ها با اشاره به نظر لوی، تأکید می‌کنند که دولت باید قراردادهایی منعقد سازد که در آن بر فراهم‌آوردن اطلاعات، نظارت قوانین و اجرا و اعمال حقوق و قوانین مربوط به مجازات قانون‌شکنان تأکید شود. بنابراین، وظیفه نهادهای قانون و نظم، شناخت و مجازات افراد خائن است که دست به دزدی، جنایت و سایر اعمال غیرهمکارانه زده و بنابراین، اعتماد را خدشه‌دار می‌کنند. اگر شهروندان بدانند که این نهادها به طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد خائن و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است در نتیجه، شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این‌گونه رفتارها دارند و بنابراین، بیشتر مردم قابل اعتماد هستند (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸، صص. ۱۹۹-۱۹۷).

از نظر رزستین و استول، آنچه برای اعتماد تعمیم‌یافته مهم است، کارآمدی و عدالت این نهادها می‌باشد. در مجموع، اگر شهروندان به کارآمدی و عدالت نهادها، به‌ویژه نظام قضایی و پلیس اعتقاد داشته باشند، راحت‌تر به دیگران اعتماد می‌کنند؛ به علاوه، ارزیابی شهروندان از عملکرد نهادهای دولتی که با آن‌ها تعامل دارند، نیز بر اعتماد آن‌ها تأثیرگذار است. آن‌ها در تبیین اعتماد تعمیم‌یافته بیان می‌کنند که نهادها ممکن است موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی در شهروندان، به هنگام تماس مستقیم با آن‌ها شود که نتیجه آن، کاهش میزان اعتماد اجتماعی افراد است. از این رو، با توجه به نظریه رزستین و استول، می‌توان گفت که احساس امنیت فرد در رابطه با سایر شهروندان در جامعه و تجربه تبعیض واقعی توسط شهروندان (در رابطه با نهادها) در طول زندگی می‌تواند بر اعتماد اجتماعی افراد تأثیرگذار باشد (همان، صص. ۲۰۰).

### ۳.۲. فرضیه‌های تحقیق

با توجه به نظریات مطرح‌شده در چارچوب نظری تحقیق و تحقیقات انجام‌شده، فرضیه‌های زیر مطرح است:

- (۱) عضویت در تشکل‌ها بر اعتماد اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت دارد.
- (۲) احساس امنیت بر اعتماد اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت دارد.

- ۳) تجربه تبعیض بر اعتماد اجتماعی دانشجویان تأثیر منفی دارد.
- ۴) امیدواری به آینده شغلی و تحصیلی بر اعتماد اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت دارد.
- ۵) استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی بر اعتماد اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت دارد.
- ۶) استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی بر اعتماد اجتماعی دانشجویان تأثیر منفی دارد.

### ۳. روش تحقیق

#### ۳.۱. جامعه آماری و حجم نمونه

پژوهش حاضر از نوع روش پیمایشی و مقطعی است. برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه خوداجرا استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه دانشجویان دانشگاه مازندران در بهار سال ۱۳۹۰ بوده که طبق اطلاعات اداره کل آموزش دانشگاه مازندران تعدادشان ۹۶۷۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه در پژوهش حاضر با توجه به جدول مورگان ۳۷۰ نفر انتخاب شد که به منظور کاهش خطای ناشی از نمونه‌گیری و احتمال ناقص بودن برخی از پرسش‌نامه‌ها، حجم نمونه تحقیق از ۳۷۰ مورد به ۳۸۰ مورد افزایش یافت که با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص به ۳۷۵ مورد تقلیل یافت. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر تصادفی ساده است.

#### ۳.۲. تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق

##### اعتماد اجتماعی

فرهنگ معین، اعتماد را تکیه کردن بر، وا گذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی به کسی معنا کرده است و اعتماد کردن را به معنای وثوق به کسی یا اطمینان کردن به کار برده است، فرهنگ عمید نیز همین معنا را به کار برده است؛ اعتماد یعنی تکیه کردن، متکی شدن به کسی، کاری را بی‌گمان به او سپردن و وا گذاشتن کار به کسی. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اعتماد به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت، صفت یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته، تعریف شده است (بابازاده بایی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸). به گفته زیمل اعتماد وقتی وجود خواهد داشت که آدم به کسی یا اصلی باور داشته باشد. اعتماد بیان‌کننده این احساس است که میان تصور ما از یک موجود و خود آن موجود پیوند و وحدت معینی وجود دارد و ادراک ما از آن موجود از تداوم معینی برخوردار است (گیدنز،

۱۳۸۷، ص. ۳۳). دویچ<sup>۱</sup> رفتار اعتمادکردن را کنش‌هایی توصیف می‌کند که آسیب‌پذیری شخص نسبت به دیگری را که رفتارش در وضعیت ویژه‌ای تحت کنترل فرد نیست، افزایش می‌دهد. این تعریف، رفتار اعتمادکردن یا برقراری اعتماد را به وضعیت‌هایی محدود می‌کند که در آن زیان بالقوه بیشتر از منفعت بالقوه است (کلمن، ۱۳۸۶، صص. ۱۵۹-۱۵۸). جیان فرانکو پوچی<sup>۲</sup> معتقد است که اعتماد میان اشخاص، یک جهت‌گیری اخلاقی است که برای حفظ جامعه دموکراتیک باید میان اکثر افراد جامعه وجود داشته باشد (پاتنام، لئوناردی و نانتی، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۹).

در پژوهش حاضر، اعتماد اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از انتظارات، تعهدات اکتسابی و به لحاظ اجتماعی تأییدشده، در نظر گرفته شده است که افراد نسبت به یک‌دیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعیشان دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۹) و به چهار بعد تقسیم می‌شود که شامل اعتماد بین شخصی، بنیادین، نهادی، تعمیم‌یافته (اعتماد به غریبه‌ها) می‌باشد.

\* اعتماد بین شخصی نوعی از اعتماد است که در جریان روابط مستمر چهره‌به‌چهره شکل می‌گیرد؛ مانند اعتماد به خانواده، دوستان، همکاران و غیره (بابازاده بایی، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). در تعریف عملیاتی این بعد ۵ مؤلفه در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از خانواده، خویشاوندان، دوستان، هم‌کلاسی‌ها، همسایه‌ها. در ارتباط با هر مؤلفه ۴ گویه یا سؤال مطرح شد.

\* اعتماد بنیادین، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌سازد و موجب تقویت این تفکر می‌شود که افراد و امور جهان قابل اعتمادند (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۰). برای سنجش این بعد از اعتماد، ۵ گویه طرح شد.

\* اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به غریبه‌ها) عبارت است از حسن‌ظن به افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای (بابازاده بایی، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). در تعریف عملیاتی این بعد از اعتماد اجتماعی از سه مؤلفه استفاده شد که عبارت‌اند از کنش‌گران سیاسی، کنش‌گران آموزشی

1 Deutsch

2 Gianfranco Poggi

و شهروندان. برای سنجش اعتماد به کنش‌گران سیاسی ۵ گویه، برای سنجش اعتماد به کنش‌گران آموزشی ۵ گویه و برای سنجش اعتماد به شهروندان ۹ گویه طرح شد.

\* اعتماد نهادی به معنای داشتن حسن‌ظن به نهادهای آموزشی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اعتقاد به توان‌مندی این نهادها در حل مسائل و نیز رضایت کلی از عملکردهای آنها است (همان، ص. ۸۹). در تعریف عملیاتی این بعد از اعتماد اجتماعی، ۴ مؤلفه مدنظر قرار گرفت که شامل نهادهای سیاسی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی می‌باشد. جهت سنجش اعتماد به نهادهای سیاسی ۱۱ گویه، برای سنجش اعتماد به نهادهای فرهنگی ۵ گویه، برای سنجش نهادهای آموزشی ۲ گویه و برای سنجش نهادهای اقتصادی ۴ گویه طرح شد.

#### استفاده از رسانه‌ها

رسانه‌های جمعی عبارت‌اند از تمام ابزارهای غیرشخصی ارتباط که به این وسیله، پیام‌های بصری و یا سمعی، به طور مستقیم به مخاطبان انتقال می‌یابند؛ مانند تلویزیون، رادیو و غیره. در تعریف عملیاتی این مفهوم، دو مؤلفه رسانه‌های داخلی و رسانه‌های خارجی مدنظر قرار گرفت. برای سنجش استفاده از رسانه‌های داخلی از ۴ گویه و برای سنجش استفاده از رسانه‌های خارجی از ۵ گویه استفاده شد.

#### تجربه تبعیض

تبعیض به دو صورت تحقق می‌پذیرد: نخست تبعیضی است که براساس قوانین موضوعه اعمال می‌شود؛ به این معنا که گروهی با تکیه بر قوانین موجود، از امتیازاتی ویژه برخوردار می‌شوند. نمونه خاص این نوع تبعیض در جامعه مبتنی بر آپارتاید صورت می‌گیرد. دوم، تبعیض اجتماعی است که نه براساس قوانین؛ بلکه در عمل صورت می‌گیرد؛ به این معنا که به ظاهر، همه در برابر قانون، یکسان هستند؛ اما اساس زندگی مردم چنان است که گروه‌های محروم در حاشیه جامعه متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و حیات خود را به پایان می‌برند. هرچند همه، طبق قانون حق دارند از همه فرصت‌ها برخوردار شوند؛ اما در عمل، امکانات فقط برای تعدادی حاصل می‌شود نه برای همه. تبعیض نوع اول رسمی است و تبعیض نوع دوم غیررسمی و عملی است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص. ۲۰۱). در تعریف عملیاتی تجربه تبعیض، تبعیض عملی و غیررسمی مدنظر است؛ به این معنا

که آیا فرد در طول زندگی خود در مواجهه با اموری که به نهادهای اجتماعی مربوط است، مشمول بی‌انصافی، بی‌عدالتی و تبعیض واقع شده است. جهت سنجش این متغیر از ۶ گویه استفاده شد.

#### احساس امنیت

نبود نگرانی خاص در مواجهه با امور اجتماعی و نوعی احساس بهروزی عمومی است. برای عملیاتی کردن احساس امنیت در این تحقیق، ابعاد اقتصادی و اجتماعی (آبرو و حیثیت) آن در جامعه مدنظر قرار گرفت که جهت سنجش بعد اقتصادی از ۳ گویه و برای سنجش بعد اجتماعی نیز از ۳ گویه استفاده شد.

#### امیدواری به آینده شغلی و تحصیلی

به این معنا است که افراد نسبت آینده تحصیلی و شغلی خویش نگرانی نداشته باشند. جهت سنجش این مفهوم از ۵ گویه استفاده شد.

#### عضویت در تشکلهای دانشجویی

تشکل؛ یعنی مجموعه‌ای از افراد که براساس آرمان، ایمان و نقطه‌نظرهای مشترک گرد هم بیایند تا بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق کار دسته‌جمعی و برای رشد استعدادها و شناخت کادرها و تربیت آنها و تهیه برنامه‌ها و قبول مسؤولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند. زمانی که تشکل مطرح‌شده، دانشجویی باشد، حکایت از آن دارد که این تشکل در دانشگاه شکل گرفته و اعضای آن دانشجویان هستند. جهت سنجش این متغیر، عضویت در تشکلهای دانشگاه مازندران مدنظر قرار گرفت. تعداد این تشکل‌ها ۲۴ مورد است که شامل دو تشکل بسیج (بسیج، هسته علمی بسیج)، پنج تشکل مذهبی (کانون امام حسن مجتبی، کانون قرآن و عترت، هیأت محبان حسین، کانون طرح حکمت، کانون شهدا)، پنج تشکل هنری (کانون موسیقی، کانون فیلم و عکس، کانون تئاتر، کانون هنرهای تجسمی، کانون صنایع دستی)، پنج تشکل فرهنگی (نهاد رهبری، کانون شعر و ادب، کانون گردشگری، کانون هلال احمر، کانون مازندران شناسی)، چهار تشکل علمی (انجمن علمی، کانون نجوم، انجمن ربانیک دانشجویی، کانون جهاد دانشگاهی)، تشکلهای ورزشی، شورای صنفی، انجمن اسلامی می‌باشد. جهت ارزیابی میزان عضویت افراد در تشکلهای، به

عضویت در هر تشکل، نمره یک و به عدم عضویت در آن، نمره صفر اختصاص یافت که میانگین نمرات کسب شده فرد در ۲۴ تشکل، نشان دهنده میزان عضویت فرد در تشکلهای می باشد.

### ۳.۳. روایی (پایایی) و اعتبار تحقیق

جهت ارزیابی میزان پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است. اعتبار ابزار پژوهش حاضر نیز مبتنی بر اعتبار صوری است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

نوع متغیر	متغیر	آلفای کرونباخ
وابسته	اعتماد اجتماعی	۰/۹۵
مستقل	رسانه های جمعی داخلی	۰/۷۳
	رسانه های جمعی خارجی	۰/۸۹
	تجربه تبعیض	۰/۸۵
	احساس امنیت	۰/۵۶
	امیدواری به آینده	۰/۶۹

### ۴. یافته های تحقیق

یافته های توصیفی نشان می دهد که ۶۵/۸ درصد پاسخ گویان را زنان و ۳۴/۲ درصد آنها را مردان تشکیل می دهند. تقریباً ۸۸ درصد پاسخ گویان مجرد هستند. ۱۱ درصد آنها متأهل و تقریباً ۱ درصد آنها مطلقه یا بیوه اند. بیشتر پاسخ گویان (۶۶/۲ درصد) در گروه سنی ۱۸ تا ۲۱ سال و کمترین فراوانی به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال اختصاص داشته است که ۰/۳ درصد پاسخ گویان را شامل می شود. میانگین سنی پاسخ گویان ۲۱ سال می باشد.

توزیع پاسخ گویان برحسب متغیرهای اصلی تحقیق در جدول (۲) آمده است. براساس یافته های این جدول می توان گفت که:

۱. در تمامی پاسخ گویان حدی از اعتماد اجتماعی وجود دارد؛ اما میزان آن در افراد متفاوت است؛ به این معنا که میزان اعتماد اجتماعی ۶۳/۵ درصد پاسخ گویان در حد پایین، ۱/۳ درصد در حد متوسط و ۳۵/۲ درصد افراد در حد بالا می باشد. میانگین اعتماد اجتماعی ۲/۷۱ از ۵ است که تقریباً در حد متوسط می باشد.

۲. ۰/۸ درصد پاسخ‌گویان اصلاً به آینده امیدوار نیستند. همچنین، میزان امید به آینده در ۷۵/۳ درصد افراد در حد پایین، ۵/۴ درصد در حد متوسط و ۱۸/۵ درصد در حد بالا قرار دارد. میانگین امید به آینده ۲/۲۷ از ۵ می‌باشد که تقریباً ضعیف است.

۳. احساس امنیت در تمامی پاسخ‌گویان وجود دارد؛ اما میزان این نوع احساس در افراد متفاوت است. بر این اساس، میزان احساس امنیت در ۶۵/۴ درصد افراد در حد پایین، ۱۲/۱ درصد در حد متوسط و ۲۲/۵ درصد در حد بالا قرار دارد. میانگین احساس امنیت ۲/۶۷ از ۵ است که تقریباً در حد متوسط می‌باشد.

#### جدول ۲- توزیع درصدی پاسخ‌گویان برحسب میزان اعتماد اجتماعی، امید به آینده، احساس

##### امنیت، تجربه تبعیض و استفاده از رسانه‌های جمعی

متغیر <sup>۱</sup>	بالا	متوسط	پایین	اصلاً	میانگین از ۵
اعتماد اجتماعی	۳۵/۲	۱/۳	۶۳/۵	۰	۲/۷۱
امید به آینده	۱۸/۵	۵/۴	۷۵/۳	۰/۸	۲/۲۷
احساس امنیت	۲۲/۵	۱۲/۱	۶۵/۴	۰	۲/۶۷
تجربه تبعیض	۳۰/۲	۵/۱	۶۴/۷	۰	۲/۶۶
استفاده از رسانه‌های جمعی	۹/۶	۴	۸۱/۳	۵/۱	۱/۶۹

۴. تمامی پاسخ‌گویان تبعیض را تجربه کرده‌اند؛ اما به میزان متفاوت؛ چراکه ۳۰/۲ درصد پاسخ‌گویان تا حد زیادی تبعیض را تجربه کردند؛ اما میزان تجربه تبعیض ۵/۱ درصد افراد در حد متوسط و ۶۴/۷ درصد در حد پایین است. میانگین تجربه تبعیض ۲/۶۶ از ۵ می‌باشد که تقریباً در حد متوسط است.

۵. ۵/۱ درصد پاسخ‌گویان اصلاً از رسانه‌های جمعی استفاده نمی‌کنند. همچنین، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در ۸۱/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد پایین، ۴ درصد در حد متوسط و ۹/۶ درصد در حد بالا قرار دارد. میانگین استفاده از رسانه‌های جمعی (۱/۶۹ از ۵) نیز ضعیف می‌باشد.

۱ در این پژوهش جهت برآورد میزان اعتماد اجتماعی (و سایر متغیرها) افراد از (compute) با روش (mean) استفاده شده است که در این روش نرم‌افزار spss میانگین نمرات کسب‌شده فرد را منظور می‌کند. بنابراین، دامنه تغییرات نمرات افراد (در تمامی موارد) از ۰ تا ۵ است. براساس مقیاس ساخته‌شده در این تحقیق، کسانی که نمره ۰ کسب کرده‌اند، کسانی هستند که در گروه اصلاً، کسانی که نمره آن‌ها بالاتر از ۰ تا ۲,۵ می‌باشد، در گروه پایین، کسانی که نمره آن‌ها بالاتر از ۲,۵ تا ۳,۵ است، در گروه متوسط و کسانی که نمره آن‌ها بالاتر از ۳,۵ تا ۵ است، در گروه بالا جای گرفته‌اند.



## جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب عضویت در تشکل‌های دانشجویی

عضویت در تشکل	فراوانی	درصد
عدم عضویت	۱۸۵	۴۹/۳
عضویت در حداقل یک تشکل	۱۹۰	۵۰/۷
عضویت در تمام تشکل‌های دانشجویی	۰	۰
جمع	۳۷۵	۱۰۰

براساس داده‌های جدول (۳) می‌توان گفت که ۴۹/۳ درصد پاسخ‌گویان عضو هیچ‌کدام از تشکل‌های دانشجویی نیستند و در مقابل، ۵۰/۷ درصد آن‌ها حداقل در یکی از این تشکل‌ها عضویت دارند.

## جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب عضویت در تشکل‌های دانشجویی

تشکل‌های بسیج	خیر		بلی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بسیج	۲۸۷	۷۶/۵	۸۸	۲۳/۵
تشکل ورزشی	۳۱۶	۸۴/۳	۵۹	۱۵/۷
هسته علمی بسیج	۳۳۴	۸۹/۱	۴۱	۱۰/۹
انجمن علمی	۳۴۰	۹۰/۷	۳۵	۹/۳
کانون امام حسن مجتبی	۳۵۷	۹۵/۲	۱۸	۴/۸
کانون شعر و ادب	۳۵۸	۹۵/۵	۱۷	۴/۵
کانون قرآن و عترت	۳۵۹	۹۵/۷	۱۶	۴/۳
کانون نجوم	۳۵۹	۹۵/۷	۱۶	۴/۳
کانون شهدا	۳۶۰	۹۶	۱۵	۴
کانون گردشگری	۳۶۳	۹۶/۸	۱۲	۳/۲
کانون موسیقی	۳۶۴	۹۷/۱	۱۱	۲/۹
انجمن اسلامی مستقل	۳۶۵	۹۷/۳	۱۰	۲/۷
کانون فیلم و عکس	۳۶۷	۹۷/۹	۸	۲/۱
کانون هلال احمر	۳۶۸	۹۸/۱	۷	۱/۹
کانون مازندران شناسی	۳۶۸	۹۸/۱	۷	۱/۹
کانون تئاتر	۳۶۹	۹۸/۴	۶	۱/۶
انجمن ربانیک دانشجویی	۳۷۱	۹۸/۹	۴	۱/۱
کانون صنایع دستی	۳۷۲	۹۹/۲	۳	۰/۸
هیأت محبان حسین	۳۷۳	۹۹/۵	۲	۰/۵
کانون جهاد دانشگاهی	۳۷۳	۹۹/۵	۲	۰/۵
کانون هنرهای تجسمی	۳۷۳	۹۹/۵	۲	۰/۵
شورای صنفی	۳۷۳	۹۹/۵	۲	۰/۵
نهاد رهبری	۳۷۴	۹۹/۷	۱	۰/۳
کانون طرح حکمت	۳۷۴	۹۹/۷	۱	۰/۳

یافته‌های جدول (۴) نشان می‌دهد که میزان عضویت در تشکل‌های دانشجویی متفاوت است. بیشترین عضویت به تشکل‌های بسیج، ورزشی و هسته علمی بسیج اختصاص دارد که به ترتیب، ۲۳/۵، ۱۵/۷، ۱۰/۹ درصد پاسخ‌گویان عضو این تشکل‌ها هستند. کمترین میزان عضویت به نهاد رهبری و کانون طرح حکمت اختصاص دارد که ۰/۳ درصد افراد در هر کدام از آن‌ها عضویت دارند. در مجموع، جدول فوق حاکی از پایین بودن میزان عضویت در تشکل‌هاست. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که بسترهای مناسب نهادی برای عضویت و فعالیت در این تشکل‌ها کمتر وجود دارد. اساساً فلسفه تشکیل این تشکل‌ها، توسعه تعاملات اجتماعی و تضارب افکار و اندیشه‌ها است. به واسطه این‌که این موضوع خیلی مورد حمایت مادی و معنوی قرار نمی‌گیرد، بدیهی است که دانشجویان، انگیزه لازم را برای عضویت و فعالیت در چنین تشکل‌هایی را نداشته باشند. بنابراین، پایین بودن میزان عضویت، بیشتر از آن‌که امری فردی باشد، یک امر اجتماعی است که در صورت فراهم‌سازی بسترهای مساعد و مشوق فعالیت‌های جمعی و گروهی، پیش‌بینی می‌شود که میزان عضویت و فعالیت در چنین تشکل‌هایی افزایش یابد.

جدول ۵- رگرسیون خطی ساده بین متغیرهای مستقل و اعتماد اجتماعی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب‌تنا	مقدار ثابت ضریب رگرسیونی	مقدار t	سطح معناداری
عضویت در تشکل‌ها	۰/۱۸۵	۰/۰۳۴	۰/۱۸۵	۲/۶۱۷	۵۹/۶۲۶	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌های داخلی	۰/۴۰۲	۰/۱۶۲	۰/۴۰۲	۲/۲۵۸	۳۵/۶۰۶	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌های خارجی	۰/۱۳۹	۰/۰۱۹	-۰/۱۳۹	۲/۸۱۲	۵۰/۱۵۸	۰/۰۰۰
تجربه تبعیض	۰/۴۴۳	۰/۱۹۵	-۰/۴۴۳	-۰/۰۷۳	-۲/۳۷۱	۰/۰۰۸
احساس امنیت	۰/۵۴۲	۰/۲۹۴	۰/۵۴۲	۳/۶۰۹	۳۷/۰۶۵	۰/۰۰۰
امید به آینده	۰/۵۴۹	۰/۳۰۲	۰/۵۴۹	-۰/۳۳۹	-۹/۵۳۶	۰/۰۰۰
					۱۲/۴۲۶	۰/۰۰۰
					۱۲/۶۷۰	۰/۰۰۰
					۱۲/۶۶۴	۰/۰۰۰

نتایج رگرسیون خطی ساده بین هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته اعتماد اجتماعی در جدول (۵) آمده است. یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای عضویت در تشکلهای دانشجویی، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، تجربه تبعیض، احساس امنیت و امید به آینده بر متغیر اعتماد اجتماعی معنادار است و به ترتیب، می‌توانند ۳/۴، ۱۶/۲، ۱/۹، ۱۹/۵، ۲۹/۴، ۳۰/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته مذکور را تبیین کنند. شایان ذکر است که تأثیر متغیرهای استفاده از رسانه‌های خارجی و تجربه تبعیض منفی است؛ اما تأثیر سایر متغیرها مثبت می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که تمامی فرضیه‌های مطرح شده در ارتباط با متغیرهای فوق، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جهت بررسی بهتر تأثیر متغیرهای مستقل (امید به آینده، تجربه تبعیض، احساس امنیت، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، عضویت در تشکلهای دانشجویی) بر اعتماد اجتماعی از رگرسیون خطی چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد که خروجی آن‌ها در جدول (۶) آمده است.

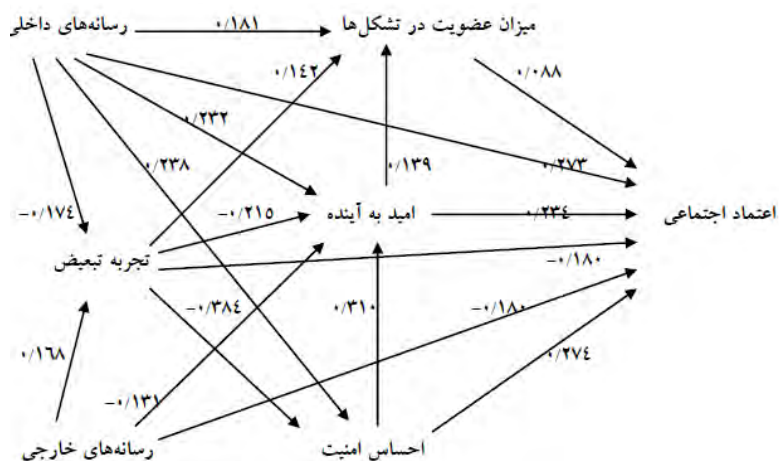
در مدل رگرسیونی گام‌به‌گام متغیرهای مستقل که برای تبیین اعتماد اجتماعی صورت گرفته، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مدل (۱) با توجه به متغیر امید به آینده که وارد مدل شده، این متغیر به تنهایی توانسته ۲۹/۷ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی افراد را پیش‌بینی کند. مدل (۲) نشان می‌دهد که پس از اضافه شدن متغیر احساس امنیت این رقم به ۴۰/۴ درصد افزایش یافته است. نتایج مدل (۳) حاکی از آن است که با افزودن متغیر استفاده از رسانه‌های داخلی به معادله فوق، این رقم به ۴۴/۵ درصد ارتقا می‌یابد. در مدل (۴) با اضافه شدن متغیر استفاده از رسانه‌های خارجی به معادله رقم مذکور به ۴۷/۹ درصد افزایش می‌یابد. همچنین، در مدل (۵) با افزودن متغیر تجربه تبعیض این رقم به ۵۰/۱ درصد می‌رسد. سرانجام، در مدل (۶) با ورود متغیر عضویت در تشکلهای این رقم به ۵۰/۸ درصد افزایش یافته است. از این رو، می‌توان گفت که امید به آینده قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده است. جدول مذکور همچنین، نشان‌دهنده ضرایب تأثیر مدل نهایی اکتشافی متغیرهای مستقل تبیین‌کننده اعتماد اجتماعی است. مقایسه بتاها در مدل نهایی نشان می‌دهد که به ترتیب، متغیرهای

احساس امنیت (۰/۲۷۴)، استفاده از رسانه‌های داخلی (۰/۲۷۳)، امید به آینده (۰/۲۳۴)، استفاده از رسانه‌های خارجی (۰/۱۸۰-)، تجربه تبعیض (۰/۱۸۰-) و عضویت در تشکل‌ها (۰/۰۸۸) بر اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه مازندران اثرگذار هستند. شایان ذکر است که تأثیر چهار متغیر امید به آینده، احساس امنیت، استفاده از رسانه‌های داخلی و عضویت در تشکل‌ها بر اعتماد اجتماعی مثبت است؛ اما تأثیر متغیرهای تجربه تبعیض و استفاده از رسانه‌های خارجی بر متغیر وابسته مذکور منفی است.

جدول ۶- ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل تبیین‌کننده اعتماد اجتماعی

متغیرها	ضریب رگرسیونی	خطای معیار	ضریب بتا	ضریب تعیین	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۵۷۶	۰/۱۹۳	-	-	۸/۱۴۹	۰/۰۰۰
امید به آینده	۰/۱۸۰	۰/۰۳۵	۰/۲۳۴	۰/۲۹۷	۵/۱۵۴	۰/۰۰۰
احساس امنیت	۰/۳۳۱	۰/۰۵۴	۰/۲۷۴	۰/۴۰۴	۶/۱۰۶	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌های داخلی	۰/۱۷۲	۰/۰۲۷	۰/۲۷۳	۰/۴۴۵	۶/۳۳۱	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌های خارجی	-۰/۰۹۴	۰/۰۲۱	-۰/۱۸۰	۰/۴۷۹	-۴/۴۵۲	۰/۰۰۰
تجربه تبعیض	-۰/۱۳۹	۰/۰۳۳	-۰/۱۸۰	۰/۵۰۱	-۳/۱۷۶	۰/۰۰۰
میزان عضویت در تشکل‌ها	۰/۹۹۶	۰/۴۴۱	۰/۰۸۸	۰/۵۰۸	۲/۲۵۸	۰/۰۲۵

برای آگاهی از این موضوع که هر یک از متغیرهای مستقل مطرح شده (امید به آینده، تجربه تبعیض، احساس امنیت، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، عضویت در تشکل‌های دانشجویی) تا چه اندازه بر اعتماد اجتماعی افراد تأثیرگذار است، به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرها بر متغیر وابسته مبادرت ورزیدیم. جهت این کار از شکل زیر (نمودار تحلیل مسیر) استفاده کردیم تا از این طریق، این فرضیه تحقیق را که میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر اعتماد اجتماعی متفاوت است، مورد آزمون قرار دهیم. باید متذکر شد که برخی از مسیرها از نمودار حذف شدند؛ چون تأثیرگذاریشان معنادار نبود و نیز مقدار بتا کمتر از ۰/۰۵ بوده است.



شکل ۱- تحلیل مسیر اثرات متغیرهای مستقل بر اعتماد اجتماعی

جدول (۷) دلالت بر این دارد که براساس مدل علی فوق، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر اعتماد اجتماعی (بنابر اثرات مستقیم و غیرمستقیم) به ترتیب، عبارت‌اند از: استفاده از رسانه‌های داخلی (۰/۴۲۵)، تجربه تبعیض (-۰/۳۵۵)، احساس امنیت (۰/۳۵۰)، استفاده از رسانه‌های خارجی (-۰/۲۷۲)، امید به آینده (۰/۲۴۶) و عضویت در تشکل‌ها (۰/۰۸۸). به این ترتیب، می‌توان گفت که از میان شش متغیر مطرح‌شده تأثیر متغیر عضویت در تشکل‌های دانشجویی در حد ضعیف، تأثیر چهار متغیر تجربه تبعیض، احساس امنیت، استفاده از رسانه‌های خارجی و امید به آینده در حد متوسط و نیز تأثیر متغیر استفاده از رسانه‌های داخلی در حد متوسط قوی می‌باشد.

جدول ۷- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل در مدل تحلیلی اعتماد اجتماعی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
میزان استفاده از رسانه‌های داخلی	۰/۲۷۳	۰/۱۵۲	۰/۴۲۵
تجربه تبعیض	-۰/۱۸۰	-۰/۱۷۵	-۰/۳۵۵
احساس امنیت	۰/۲۷۴	۰/۰۷۶	۰/۳۵۰
میزان استفاده از رسانه‌های خارجی	-۰/۱۸۰	-۰/۰۹۲	-۰/۲۷۲
امید به آینده	۰/۲۳۴	۰/۰۱۲	۰/۲۴۶
میزان عضویت در تشکل‌ها	۰/۰۸۸	-	۰/۰۸۸

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از متغیرهای مطرح‌شده در تحقیق، عضویت در تشکل‌های دانشجویی است که در ارتباط با آن از تئوری پاتنام استفاده شد. وی در انتزاعی‌ترین سطح، میزان تعامل و ارتباط افراد را عامل به وجود آورنده اعتماد می‌داند. به همین خاطر است که او عضویت در شبکه‌های افقی را که موجب تعامل بیشتر افراد می‌شود، موجد اعتماد می‌داند. بنابراین، براساس دیدگاه پاتنام می‌توان گفت که عضویت در تشکل‌های دانشجویی که بستر تعامل بیشتر دانشجویان را فراهم می‌سازد، می‌تواند سبب افزایش میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها شود. یافته‌های پژوهش حاضر تأییدکننده این دیدگاه پاتنام می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت اگر دانشجویان در تشکل‌های بیشتری عضویت داشته باشند، میزان تعامل اجتماعی آن‌ها بیشتر شده که در نتیجه آن، میزان اعتماد اجتماعی‌شان افزایش می‌یابد. البته باید این را نیز در نظر داشت که افزایش اعتماد اجتماعی نیز متقابلاً می‌تواند عضویت افراد در تشکل‌های بیشتر و افزایش مشارکت آن‌ها را به دنبال داشته باشد.

در ارتباط با متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی نیز از نظریه پاتنام استفاده شد. وی در تبیین کاهش اعتماد اجتماعی، عامل رسانه‌های جمعی به‌خصوص، تلویزیون را دارای اهمیت نسبتاً زیاد می‌داند؛ زیرا استفاده از رسانه‌های جمعی سبب می‌شود تا میزان تعامل اجتماعی آن‌ها کاهش یابد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر رسانه‌های خارجی بر اعتماد اجتماعی منفی و معنادار است. از این رو تئوری پاتنام در ارتباط با تأثیر منفی رسانه‌ها بر اعتماد اجتماعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که نه تنها استفاده از رسانه‌های خارجی از طریق کاهش تعامل اجتماعی افراد، سبب کاهش اعتماد اجتماعی آن‌ها می‌شود؛ بلکه ارزش‌هایی که از طریق رسانه‌های خارجی تبلیغ می‌شود، در تعارض با ارزش‌های داخلی هم‌سو با اعتماد اجتماعی است که نتیجه پذیرش آن ارزش‌ها، کاهش اعتماد اجتماعی افراد می‌باشد؛ اما در ارتباط با استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی باید گفت که نوع تأثیرگذاری مثبت می‌باشد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که اگرچه استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی سبب کاهش سطح تعامل اجتماعی می‌شود؛ اما این رسانه‌ها با درونی‌کردن ارزش‌های

هم‌سو با اعتماد اجتماعی در جامعه سبب می‌شوند تا میزان اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد.

در ارتباط با متغیرهای احساس امنیت و تجربه تبعیض از نظریه رزستین و استول استفاده شده است که یافته‌های تحقیق این نظریه را تأیید می‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت که احساس امنیت سبب افزایش و تجربه تبعیض باعث کاهش میزان اعتماد اجتماعی در جامعه می‌شود.

#### پیشنهاد‌های پژوهشی

۱- سطح سنجش در تحقیق حاضر، به دلیل محدودیت‌های گوناگون، به دانشجویان محدود شده است، هرچند به دلیل اهمیت دانشجویان جوان و نسبت قابل توجه آن به هرم سنی جامعه ایران، انجام این مطالعه با اهمیت به نظر می‌رسد در عین حال، تحقیق بر روی سایر اقشار و گروه‌های سنی نظیر زنان، کارگران و سایر دسته‌های سنی و اقشار اجتماعی می‌تواند مکمل تحقیق حاضر باشد و نتایج آن‌ها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد.

۲- در تحقیق حاضر، سطح سنجش به یافتن روابط میان دو متغیر در سطح خرد (افراد) محدود شده است. در عین حال، تحقیق بر روی سطوح کلان‌تر سنجش (شهرها، استان‌ها یا در سطوح بین‌المللی) می‌تواند در جهت افزایش آگاهی از وضعیت اعتماد و عضویت در انجمن‌های گوناگون در سطوح مختلف و مقایسه آن مؤثر افتد.

#### کتاب‌نامه

۱. آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۳). بحران اجتماعی و روشن‌فکران ایرانی. فرهنگ اندیشه، ۳ (۱۰)، ۱۸۷-۱۳۱.
۲. آزاد ارمکی، ت. و کمالی، ا. (۱۳۸۳). اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۲)، ۱۳۲-۱۰۰.
۳. ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۰). بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان. نامه علوم اجتماعی، ۹ (۱۷)، ۳۱-۳.

۴. اوجاقلو، س. و زاهدی، م. ج. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۴)، ۹۲-۱۲۵.
۵. افشانی، ع. ر.، عسکری ندوشن، ع.، فاضل نجف آبادی، س. و حیدری، م. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰ (۴)، ۳۶-۷۴-۵۷.
۶. بابازاده بائی، ع. (۱۳۸۹). *بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۷. پاتنام، ر.، لئوناردی، ر. و نانتی، ر. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذر*. (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: نشر روزنامه سلام.
۸. تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسیون و توسعه*. تهران: نشر شیرازه.
۹. حیدرآبادی، ا. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱ (۱)، ۶۶-۳۹.
۱۰. رفیع پور، ف. (۱۳۷۸). *آناتومی یا آشفستگی جامعه*. تهران: انتشارات سروش.
۱۱. ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: مؤسسه کیهان.
۱۲. شارع پور، م. (۱۳۸۰). *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۱ (۳)، ۱۱۲-۱۰۱.
۱۳. طالبی، ا.، حیدری، س. و فاطمی نیا، س. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۳ (۴)، ۲۰۸-۱۷۹.
۱۴. فیروزآبادی، ا. (۱۳۸۴). نقد و معرفی کتاب بولینگ تک‌نفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۲)، ۱۶۴-۱۵۶.
۱۵. قدیمی، م. (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان. *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ۱ (۵۳)، ۳۵۶-۳۲۵.
۱۶. کامران، ف. و احمدیان، ا. (۱۳۸۸). بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام. *فصل‌نامه پژوهش اجتماعی*، ۲ (۴)، ۴۰-۱۹.
۱۷. کلمن، ج. (۱۳۸۶). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۸. گیدنز، آ. (۱۳۸۷). *پیامدهای مدرنیت*، (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشر مرکز.



۱۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۴)، چشم‌اندازهای جهانی. (ح. ر. جلایی پور، مترجم). تهران: انتشارات طرح نو.
۲۰. محسنی تبریزی، ع. و اسماعیل، ش. (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان خارج از کشور (مورد پژوهی: دانشگاه‌های کشور آلمان). فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۵ (۲)، پیاپی ۵۲، ۱۷۶-۱۵۱.
۲۱. منصوریان، م. و قدرتی، ح. (۱۳۸۸)، اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه‌محور؟، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰ (۲) پیاپی ۳۴، ۲۱۵-۱۸۹.
22. Avery, J. M. (2009). The influence of the news media on political trust. *International Journal of Press/Politics*, 14(4), 410-433.
23. Li, Y., Pickles, A., & Savage, M. (2005). Social capital and social trust in Britain. *European Sociological Review*, 21, 109-123.
24. Rothstein, B., & Stolle, D. (2008). The state and social capital: A Theory of Generalized Trust. *Comparative Politics*, 40(4), 21-30.
25. Uslaner, E. M., & Brown, M. (2003). Inequality, trust and civic engagement. *American Politics Research*, 31, 1-10.